

مقدمه

کودکی اساس زندگی آینده‌ی هر کس است. هر آنچه که فرد در کودکی بیاموزد در بقیه‌ی دوران زندگی با او همراه و در شکل‌گیری شخصیت او کاملاً مؤثر است.

خط کشیدن، و به عبارت بهتر خط‌خطی کردن، شروع مرحله‌ی نوشتن و خواندن است. به جز اولین قدم‌هایی که کودک برای راه رفتن برمی‌دارد هیچ مرحله‌ای از رشد او مهم‌تر از اولین خطوطی که می‌کشد نیست. این خط‌ها نقطه‌ی شروع یک عمر نوشتن، طراحی، و نقاشی کردن است. توجه و علاقه‌ی نشان دادن والدین به خط‌خطی کردن کودک موجب موفقیت آینده‌ی او می‌شود.

اگر آزادی، کنجکاوی، علاقه و حس ماجراجویی که در کودک وجود دارد از بین برود دیگر قابل جبران نیست. بچه‌ها نیاز دارند که هنر خود را انجام دهند نه این که کار دیگران را تکمیل کنند.

از راه نقاشی فعالیت‌های ابداعی دیگر کودک ظاهر می‌شود. در نقاشی، کودکان دست به خلق آثاری تازه می‌زنند و همین امر باعث تغییر شکل و تکامل آن‌ها می‌شود. نقاشی کودکان در واقع به منزله‌ی بیان احساس و افکارشان است اگرچه در بیش‌تر موارد به عنوان سرگرمی و بازی به آن نگاه می‌کنند. هنر کودکان تنها به نقاشی محدود نمی‌شود بلکه این اولین حرکت خلاقانه آن‌هاست و ودیعه‌ای است که خداوند به عنوان «توانایی ساختن» یا خلاقیت به انسان داده است.

آموزش نقاشی کودک یعنی هدایت کردن او به سوی این که هر آنچه را در خیال دارد به روی صفحه بیاورد و تمام صفحه را پر از نقاشی کند. هنگامی که کودک می‌خواهد نقاشی کند به او یاد دهید که چگونه از ابزار استفاده کند. توجه داشته باشید که مواد و ابزارهای مختلف «متناسب» با سن او را از جمله (مداد، مداد شمعی، پاستل روغنی، گواش، آبرنگ، قلم‌مو، ماژیک، انواع مقواها با رنگ‌های مختلف، قیچی، چسب و کاغذ و غیره) در اختیارش قرار دهید و او را به کشیدن نقاشی تشویق کنید.

هنر برای بچه‌ها حسی از تجربه‌های ناب و هیجانی است که همان خلاقیت است. تفکر خلاق نگرش نو و ایده‌های نو را شامل می‌شود و پرورش چنین تفکری در سنین پایین بسیار اهمیت دارد.

آنچه بزرگ‌ترها به عنوان فعالیت هنری می‌شناسند برای کودکان چیزی جز بازی نیست و با همین بازی‌هاست که کودک به‌طور غیرمستقیم با دیگران ارتباط برقرار می‌کند و با راز و رمز زندگی آشنا می‌شود. کودک، در هر سنی که نقاشی را شروع کند مجبور است از مرحله‌ی خط‌خطی عبور کند. نقاشی آشکارکننده‌ی عواطف و احساسات کودکان است.

خط‌خطی کردن

نگاهی به نخستین مراحل نقاشی کودکان
زهره متمدنیا*



خط‌خطی کردن، نخستین مراحل نقاشی کودکان

کودک در چند ماهگی متوجه می‌شود که در برخی از اشیاء، اگر چیزی بر سطح چیزی کشیده و یا به سوی آن پرتاب شود اثری از خود باقی می‌گذارد. اگر کودک امکان استفاده از ابزاری اثرگذار، مانند مداد، زغال و... را داشته باشد خیلی زود متوجه می‌شود که آن‌ها از جمله اشیایی هستند که از خود اثری مشخص بر سطوح مختلف، مثل دیوار و کاغذ و غیره می‌گذارند این کشف برای کودک بسیار با اهمیت است و سبب می‌شود از کشف خود لذت ببرد.

خط‌خطی‌های کودکان علاوه بر ارزش بیانی، منعکس‌کننده‌ی پیچ و تاب‌های فکری کودک نیز هست. اولین علائم کودک بر روی کاغذ، بیش‌تر از طریق ضربه‌زدن مداد ایجاد می‌شود. گاهی این ضربه‌ها طوری است که باعث پارگی کاغذ می‌شود. این تنها به دلیل قدرت و انرژی هیجانی کودک می‌باشد.

کودک در مراحل اولیه با تمامی وجود خود خط‌خطی می‌کند و حدود ۶ ماه پس از شروع اولین خط‌خطی رابطه‌ی بین حرکات دست خود و آثار علائمی را پدید می‌آورد کشف می‌کند.

خط کشیدن شروع مرحله‌ی نوشتن و خواندن است. به جز اولین قدم‌هایی که کودک برای راه رفتن برمی‌دارد هیچ مرحله‌ای از رشد او مهم‌تر از اولین خط‌خطی کردن‌هایش نیست.

خط‌خطی کردن در نگاه نخست نوعی بازی به حساب می‌آید اما تدریجاً به جایی می‌رسد که خود را به عنوان تصویر آشکار می‌سازد. بنابراین می‌توان گفت که خط‌خطی کردن عملی هدفمند برای کودک است و فرآیند رشد او را نشان می‌دهد. از این‌روست که اولین خط‌خطی‌ها را باید به اندازه‌ی اولین گام‌هایی که کودک برمی‌دارد تحسین کرد.

مراحل خط‌خطی

کودک معمولاً در یک سالگی وقتی مدادی را در دست می‌گیرد، ابتدا آن را لمس می‌کند و سپس می‌چشد و بعد با آن شروع به خط کشیدن می‌کند (در این مرحله باید مداخله‌های بگدون روکش در اختیار کودک قرار گیرد تا فاقد مواد سمی باشد) البته درمان‌های اول به جای خط کشیدن، با مداد بر روی کاغذ می‌کوبد و به آسانی موفق به کشیدن نمی‌شود تا در ۱۸ و ۲۰ ماهگی که به‌طور کامل موفق به خط کشیدن می‌شود.

(موقعیت کودک در حالات مختلف و نیز نحوه‌ی در دست گرفتن مداد اهمیت زیادی دارد)

در پی آن، در ۲ سالگی خطوط دایره‌ای و یا زاویه‌دار ظاهر می‌شوند. طبق نظریه‌ی آرناهم نخستین شکل محصور که کودکان می‌آفرینند (دایره‌ی ازلی) است که ساده‌ترین الگوی دیداری برای کودکان نارس است.

در این مرحله کودک به راحتی مداد را از روی کاغذ بر نمی‌دارد؛ بنابراین بعد از کشیدن هر خط دلخواه، خطوط دیگری هم در محیط رسم می‌کند.

نقاشی کودکان در واقع به منزله‌ی بیان احساس و افکارشان است اگرچه در بیش‌تر موارد به عنوان سرگرمی و بازی به آن نگاه می‌کنند



کودک در

سن ۲/۵ سالگی قادر

می‌شود هنگام خط‌خطی کردن

با چشم مراقب خطوط خود باشد تا از

محدوده‌ی تعیین شده بیرون نزند. او خط‌های

جدیدی را کشف می‌کند تا این‌که خط‌های فنی شکل

و منحنی‌های روی هم قرار گرفته ظاهر می‌شوند.

بین ۲/۵ تا ۳ سالگی کودک مایل است با خط‌خطی کردن احساسات

درونی خود را نشان دهد.

برای مثال، در دوره‌ی ۳ سالگی خطوط عمودی و افقی رسم می‌کند که

بیانگر اظهار وجود خودش است. در این مرحله تخیل کودک بر یک موضوع

خاص ثابت نیست. در حدود همین سن است که می‌تواند دایره یا فضای بسته و

نیز شکل‌های مربع و مستطیل را هم رسم کند (آغاز نخستین بازنمایی پیکره‌ی

آدمی) در اواخر ۳ سالگی شروع به کشیدن شکل‌هایی از اشیاء و امور واقعی

می‌کند مثل خانه، خورشید و غیره، در حالی که هنوز نمی‌تواند بین اجزای

نقاشی خود هماهنگی ایجاد کند. (مثلاً در کشیدن چهره چشم‌ها را خارج از

خطوط کناری می‌گذارد) بالاخره در ۴ سالگی است که خط‌خطی‌های کودک

برای بزرگ‌سالان معنی پیدا می‌کند و این هنگامی است که او دیگر مرحله‌ی

خط‌خطی کردن را تدریجاً پشت سر می‌گذارد و وارد مرحله‌ی تمثیلی می‌شود.

برخی از روان‌شناسان کودک معتقدند که در این سن کودکان در جست‌وجوی

نظم و هماهنگی و تعادلی کلی در نقاشی‌های خود هستند.

از اواسط سه سالگی تا چهار سالگی کودک مایل است از خطوط عمودی



رشد آموزش

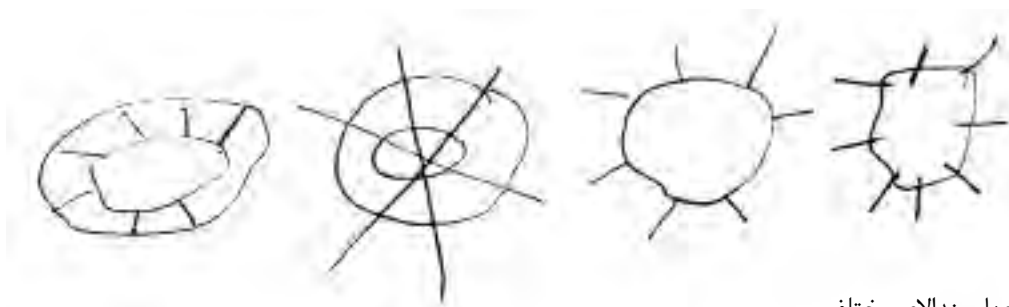


شماره‌ی ۳
دوره‌ی هفتم
بهار ۱۳۸۹

۲۰

۲۲

آن است. البته این هم هست که بزرگ‌ترها همیشه به دنبال نام‌گذاری روی چیزها هستند. کودک معمولاً در بین سن ۴ تا ۵ سالگی دقت در محیط اطراف را شروع و در نقاشی‌های خود از جزئیات بیشتری استفاده می‌کند. بهترین وسیله برای رشد خلاقیت کودکان استفاده‌ی آن‌ها



چهار مندالای مختلف

از رنگ است. بنابراین تا آنجا که ممکن است باید هر نوع وسیله‌ای از جمله قیچی کردن کاغذهای رنگی، چاپ رنگی، نقاشی با رنگ‌های گواش، انواع پاستل‌ها و مدادهای رنگی، مازیک و رنگ‌های انگشتی و... را در اختیار کودک قرار دارد. در همین سال‌ها دایره‌ی ازلی یا (مندالای)ها تبدیل به شکل پنجره، خورشید، چرخ ماشین، عنکبوت و غیره می‌شوند.

از حدود ۴ یا ۴/۵ سالگی، کودک روابط خانوادگی خود را در نقاشی‌هایش فرافکنی می‌کند، پس از روی نقاشی‌هایش به راحتی می‌توان به این احساسات او نسبت به افراد خانواده پی برد. از ۵ سالگی کم‌کم می‌توان برخی از آموزش‌ها را به کودک داد و مثلاً تکنیک‌های نقاشی یا کشیدن موضوع را به او پیشنهاد داد. البته در مورد موضوع باید مراقب باشیم که نه یک موضوع، بلکه چند نوع را در اختیار او قرار دهیم و هرگز او را مجبور به کشیدن موضوع‌های خاص نکرد تا او خود آزادانه انتخاب کند. موضوع باید توجه بچه را به خودش جلب کند.

آموزش کودک یعنی هدایت کردن او به سوی این که هر چه را در تخیل دارد به روی صفحه‌ی کاغذ بیاورد و آزاد باشد تا از تمام صفحه‌ی کاغذ خود استفاده کند. بنابراین ممکن است او یک تصویر را در دو جای صفحه، مثلاً در بالا و پایین، عیناً بکشند ولی نام‌های متفاوتی روی آن‌ها بگذارد. مثلاً بگوید آن که در بالاست خورشید است و آن که در پایین است چرخ ماشین است. خط‌خطی‌ها بیانگر شخصیت کودک است. کودک ترسو خط‌های کمرنگ همراه با لرزش فراوان می‌کشد و کودک شجاع خط‌های پر رنگ و گاهی ضخیم و کم ارزش. کودک اجتماعی معمولاً جزء کودکان شجاع قرار می‌گیرند. برای کودکان باید ابزارهای متفاوت از جمله انواع مقواهای بافت‌دار که دارای

بیش‌تر استفاده کند تا از خطوط افقی؛ و این بیانگر آن است که او دارد از وجود خودش آگاه می‌شود. کودک در این مرحله قصد بیان چیزی را از طریق نقاشی کردن دارد. او می‌تواند شکل‌های بسته مثل دایره یا مربع رسم کند و این حالت که شکل‌پردازی آغاز می‌شود؛ البته نه همان‌طور که آن را می‌بیند، بلکه آن‌طور که آن را درک می‌کند، و این بستگی به رشد روانی و حرکتی کودک دارد. کودک در این مرحله متوجه می‌شود که با اتصال دو سر یک خط به یکدیگر یک شکل بسته پدید می‌آید.

کودکان معمولاً نقاشی آدمی را از سر او شروع می‌کنند و بعد بقیه‌ی اندام را به صورت خطوط مستقیم از ناحیه‌ی سر می‌کشند. همین شکل‌هاست که بعضی به آن نام بچه وزغ (نوزاد قورباغه) داده‌اند زیرا بیش‌تر شکل را قسمت سر تشکیل می‌دهد و تن به منزله‌ی دنباله‌ی

سطح صاف نباشد یا لباس‌های ارزان قیمت به رنگ سفید یا ظرف‌های یک‌بار مصرف و یا لیوان‌هایی که کودکان بتوانند با آن تجربه‌ای جدید پیدا کنند تهیه کرد.

گذر از مرحله‌ی خط‌خطی با ابزار نوک پهن و رنگ‌های غلیظ راحت‌تر است. برای آفرینندگی کودکان می‌توانیم برای آن‌ها قصه بگوییم یا از خاطراتمان تعریف کنیم، سپس از آن‌ها بخواهیم به میل خود از

صحنه‌هایی که شنیده‌اند نقاشی کنند. هیچ‌گاه نباید از کودک سؤال نکنیم که: «این چیست که کشیده‌ای؟» بلکه باید بخواهیم نقاشی‌اش را برایمان تعریف کند یا بگوید که چه کشیده است. باید از کودک بخواهیم مدتی به اطرافش نگاه کند و آنچه را که دیده است تعریف کند و سپس آن را نقاشی کند. این تمهیدات برای آن است که شوق خلاقیت کودکان شکوفا شود و بدین طریق دنیای خود را بهتر بشناسند.

کودکان بیش‌تر اوقات روی نقاشی‌های قبلی خود نقاشی می‌کشند، یا به‌طور کلی فراموش می‌کنند که چه چیزی را نقاشی کرده‌اند؛ البته با بزرگ‌تر شدن آن‌ها کم‌کم این حالت از بین می‌رود.

در سن ۵ تا ۷ سالگی نقاشی کودکان شامل تصویرهایی از چندین قسمت یا چند چیز مختلف است و غالباً همراه با زمینه‌هایی به رنگ آسمان. کودک از شکل‌های هندسی هم در کارش استفاده می‌کند که به ترتیب از دایره، مربع، مثلث، لوزی تا شکل‌های پیچیده‌تر است.

باید به کودکان کمک کنیم تا دایره‌ی لغاتشان افزایش یابد. مثلاً شما می‌توانید به کودک خود بگویید خطی که او کشیده «خط زیگزاگ» یا «خط منحنی» نام دارد و هر کدام چه تأثیری بر روی نقاشی دارد. نیز تمام رنگ‌هایی را که استفاده کرده برایش بگویید و این که کار با این رنگ‌ها با آثار قبل او چه تفاوت‌هایی دارد و بپرسید که احساس او در هنگام کار چه بوده است؟ همیشه به خاطر داشته باشیم که ابزار جدیدتری را برای او تهیه کنیم و نحوه‌ی استفاده‌اش را به او یاد دهیم. مثلاً در این سن کودک تازه علاقه‌مند می‌شود که از رنگ‌های درخشان آب‌رنگ استفاده کند. بنابراین بهتر است به او کاغذهای موج‌دار بدهید تا تجربه‌های تازه‌تری را انجام دهد.

همیشه از آثار کودک درست مواظبت کنید؛ از همان اولین خط‌خطی‌هایی که کشیده تا حال. انسان

خط‌خطی کردن در نگاه نخست نوعی بازی به حساب می‌آید اما تدریجاً به جایی می‌رسد که خود را به عنوان تصویر آشکار می‌سازد. بنابراین می‌توان گفت که خط‌خطی کردن عملی هدفمند برای کودک است و فرآیند رشد او را نشان می‌دهد



تنها

موجود

هنرمند روی

زمین است. به

عبارت دیگر هنرمندی

شاخص انسان بودن است. از

این رو، نقاشی هم فعالیتی است

انسانی و سازنده که به دلیل کاربرد رنگ

در آن نزد کودکان دارای محبوبیت فراوان

است سعی کنیم آموزش نقاشی به صورت کلاسیک

را از ۷ سالگی کودک آغاز کنیم. اما در نظر داشته باشیم

و به او کمک کنیم که آثار قبل از ۷ سالگی اش نیز به خوبی

محفوظ بماند، چون باعث عزت نفس بیش تر او می شود. باید دانست

که روند خلاقیت بسیار مهم تر از محصول آن است.

به کودکان بیاموزید که کپی کردن و دنباله روی از آثار بزرگسالان کار

خلاقانه ای نیست. دقیقاً به او بگویید که چرا شما یک نقاشی را بیش تر از نقاشی

دیگر دوست دارید (به خاطر رنگش، به خاطر خطوطش، به خاطر موضوعش) با

فرزندان خود به تماشای نگارخانه ها یا موزه های هنری بروید. از آثار کودکان

خود کارت تبریک درست کرده و برای عزیزان و آشنایان خود بفرستید، حتی

می توانید قسمتی از خانه را تعیین کنید تا او به راحتی بتواند در گوشه ای به

خلق آثار هنری بپردازد.

لذت کودک را هنگام نقاشی کردن هرگز از او نگیرید و اجازه دهید که

به راحتی به خلق کردن بپردازد. همه ی بچه ها به طور طبیعی و ناخودآگاه

هنرمند هستند و باعث شگفتی ما می شوند. هر سال از سن کودکی ارزشمند و

منحصر به فرد است. پس به کودکان کمک کنید تا در هر سنی که هستند با

خوش حالی و رضایت زندگی کنند.

چند نکته ی مهم

- اولین باری که مواد را به کودک می دهید با کشیدن خط کاربرد آن را آموزش دهید.

- از آثار کودکان به خوبی مراقبت کنید.

- ابزار جدید در اختیار کودک بگذارید و نحوه ی استفاده از آن را آموزش دهید.

- هرگز برای خوشایند کردن برای آن ها نقاشی نکنید.

- هرگز به او کتاب های رنگ آمیزی یا وصل خطوط ندهید.

- در خانه، جایی را برای آزادی او تعیین کنید تا بتواند به راحتی نقاشی کند.

- هرگز عبارتهایی مانند آن چیست؟ سر این را آن طوری بکش! به کار نبرید.



دختر ۲۱

دختر ۲۱

دختر ۲۱



منابع

۱. بازی و سرگرمی های آموزشی کودکان پیش دبستانی، روبین ماجی، ترجمه ی سیروس وحدت، انتشارات خجسته
۲. کلیدهای پرورش خلاقیت هنری در کودکان و نوجوانان. سوزان استرایکو و سالی وارنر، مترجم: اکرم قیطاسی
۳. مقدمه ای بر روان شناسی نقاشی کودکان. لگین توماس، آنجله م. ج سیلیک، مترجم: محمد تقی فرامرزی
۴. نقاشی کودکان و مفاهیم آن. رالیوریو خدادادی. آنا، ترجمه ی عبدالله صرافان، انتشارات داستان